

یادی از گذشته و اتفاقات شگفت‌انگیز زندگی‌ام

نوشته : دکتر شهریار بدایری

- سرشناسه : بهاری، شهریار، ۱۳۱۴ -
- عنوان و نام پدیدآور : یادى از گذشته و اتفاقات شگفت‌انگیز زندگى‌ام / نوشته شهریار بهاری.
- مشخصات نشر : تهران : تالار کتاب، ۱۳۹۵.
- مشخصات ظاهری : ۱۲۸ ص.
- شابک : ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۵۱-۷۲-۳
- وضعیت فهرست نویسی : فیپا
- موضوع : بهاری، شهریار، ۱۳۱۴ -
- موضوع : پزشکان - ایران -- سرگذشتنامه
- موضوع : Physicians-- Iran -- Biography
- رده بندی کنگر : R۱۳۹۵۶۳۴ ۱۳۹۵۶۳ /
- رده بندی دیویی : ۹۲۰
- شماره کتابشناسی ملی : ۴۲۲ ۶۵

کتاب

یادی از گذشته و اتفاقات شگفت‌انگیز زندگى‌ام

نوشته دکتر شهریار بهاری

چاپ اول تابستان ۱۳۹۵

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

چاپ و صحافی: پژمان

لیتوگرافی: باران

انتشارات تالار کتاب

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۷۲۵۱-۷۲-۳

دیباچه

تا نگردي آشنا زين پرده رمزي نشنوي گوش نامحرم نباشد جاي اسرار سروش

(حافظ)

به عمر گشته می‌اندیشم از اینکه با دست خالی باید به درگاه باریتعالی بروم؛ شرم دارم. ناگزیرم به درگاه خدیش سر نهم و به خودش پناه برم. گویند کودک را چون مادر تهدید و تنبیه کند باز به آغوش مادر می‌گریزد زیرا پناهگاه امنی جز آنجا نمی‌شناسد و به پناهگاه دیگری دل نسپرد.

الَّذِينَ يَظُنُّونَ أَنَّهُمْ مُلَاقُوا رَبِّهِمْ وَأَنَّهُمْ لَا يَمُوتُونَ (همانانکه می‌دانند با پروردگار خود دیدار خواهند کرد و به سوی او باز خواهند گشت.)

حقیر هم از شرم حاصلی که دارم به پیشگاه پروردگار ارایه می‌نمایم. خاطراتی شگفت‌انگیز و حکمت آموز را که در دور دست‌ها رخ داده است؛ اکنون که دوره پیری را می‌گذرانم می‌نگارم باشد که برای آیندگان سودبخش گردد. حسرت آن را دارم که می‌توانستم بهتر از این باشم که بوده‌ام. من که از اول از ایمان به خدا برخوردار بودم چرا خودسازی بیشتری نداشتم و به اعتلای روانی مطلوبی نایل نشدم و چرا بیشتر به درگاه خدا تضرع ننمودم و در راهش بیشتر نکوشیدم. همه این‌ها چیزهاییست که پیوسته در ذهن دارم.

باورم هرگز نبود ز آنها که بشنیدم به گوش
 روزگاری با همه غوغای جان بودم خموش
 تا خدا شورید جانم را به لطفی جانفزا
 رازهایی شد عیان از راز دار پرده‌پوش
 (شهریار بهاری)

شاید به مقتضای سن و روزگار آن روز به اندازه امروز، بسیاری از حقایق هستی برایم آشکار نبود و نمی‌دانستم که ما از خداییم و به سوی او باز می‌گردیم.

گر ز حال دل خبرداری بگو
 و نشان می‌مختصر داری بگو
 مرگ را دانم ولی تا کوی دوست
 راه اگر نزدیکتر دانی بگو
 راه نزدیک‌تری وجود ندارد: و این راه برای همه حتمی است. این جهان مقدمه جهان دیگر و به عبارتی کشتزار آخرت است.

جسم دارای روح است و در زمان حیات تمام مزایای زندگی یعنی ترمیم، نمو و تکثیر (توانایی داشتن اولاد) برخوردار می‌باشد. پس از مرگ تجزیه می‌شود و به خاک برمی‌گردد. در اینجا لازم می‌دانم شرح مختصری از آنتروپی (قانون دوم ترمودینامیک) را بیان دارم. آنتروپی بی‌نظمی، آشفتگی، یا عدم قطعیت یک سیستم را بیان می‌کند.

آنتروپی یعنی هر چیز مادی در جهان به سوی اغتشاش و بی‌نظمی پیش می‌رود و تا زمان برگشت به خاک این دگرگونی ادامه دارد. کُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ وَ يَتَّقِي وَجْهَ رَبِّكَ ذُوالْجَلَالِ وَالْاِکْرَامِ (هر چه بر [زمین] است فانی‌شونده است و ذات باشکوه و ارجمند پروردگارت باقی خواهد ماند).^۲

جامیست که چرخ آفرین می‌زندش
 صد بوسه ز مهر بر جبین می‌زندش

^۲ برخی شاعر این شعر را مولوی و برخی اقبال لاهوری میدانند.

این کوزه‌گر دهر چنین جام لطیف می‌سازد و باز بر زمین می‌زندش

(خیام)

خداوند هر آنچه خلق کند زیبا و در نهایت کمال و جمال است حتی مرگ نیز مرحله‌ای از زندگی انسان است که در این مرحله انسان وارد حیات جاودانه می‌شود.

آن زمان که جزء مدرسان دانشگاه بودم؛ یک روز دانشجویی که همیشه پای درس و سخنرانی‌هایم حاضر بود؛ پرسید چرا خداوند حشرات سرتاسر زیانبار و آلوده مانند سوسک را مگس را خلق کرده است؟ پاسخ دادم اگر این حشرات نباشند و میکروب‌ها را (که در تجزیه زباله‌ها بسیار مهمند) پخش نکنند؛ دنیا از زباله پر خواهد شد. وی با شنیدن این پاسخ خدا را تکرار کرد که اگر این حشرات آلوده نبودند چه مشکل بزرگی برای زندگی پیش می‌آمد.

آفتاب‌یست ذره‌ای از قدرتش ذره‌ای هم عالمی از حکمتش

کس نداند کاندرا این بحر عمیق سنگریزه قدر دارد یا عقیق

(عطار)

با تمام عنایات و رحمانیت پروردگار حتی سود و زیان فرد را تشخیص نمی‌دهیم.

اگر عمر ما برای بدست آوردن دانش و آگاهی صرف نشود؛ بدست می‌آید زیان خواهیم کرد. باید قدر وقت را دانست که یگانه سرمایه هر انسانی است و سیوه‌گذران عمر و زمان است که ما را در این دنیا و آن دنیا خوشبخت یا بدبخت می‌گرداند.

^۱ به تازگی معلوم شده که سوسک‌های حمام وظیفه حفظ بقای زیست‌بوم‌های روی زمین و چرخه غذایی را به عهده دارند. آن‌ها اغلب از مواد آلی در حال فساد تغذیه می‌کنند که سرشار از نیترژن هستند و نه تنها می‌توانند منبع غذایی باارزشی برای پرندگان و پستانداران کوچکی که آن‌ها را شکار می‌کنند باشند؛ بلکه نقشی اساسی را در چرخه نیترژن ایفا می‌کنند.

تا کنون برای عمر و زمان دو نظریه برون ذاتی و درون ذاتی قابل شده‌اند.

در اینجا مناسب است که شرح مختصری از زمان را بنگارم؛ تا نسبت به زمان آگاهی بیشتری بیابیم. دیدگاه‌های گوناگونی درباره زمان، وجود دارد؛ ملاصدرا و برگسون که فیلسوفانی از دو سنت فلسفی متفاوت هستند؛ در برداشت خویش از زمان، افقی تازه گشودند و برای نو آغاز کرده‌اند. هر دوی آن‌ها بر آن بودند که حقیقت زمان را باید در نسبت با وجود تنسیق کرد.

ملا صدرا زمان را حقیقتی می‌داند که از نحوه وجود مادیات انتزاع می‌شود. برگسون نیز زمان را مساوی با حرکت می‌داند و آن را چیزی می‌داند که تنها از راه خودآگاهی و شهود محض قابل درک است و بنا به همتی ما را تشکیل می‌دهد.

انیشتین نظریه فضا-زمان را ارائه داد. یشتین گفت که "همه اجسام در فضایی ترکیب شده با زمان قرار دارند. هرچه جرم جسم بیشتر باشد؛ فضا-زمان اطراف آن فشرده‌تر است. اگر جسمی را بر روی زمین تصور کنیم چرا باید جاذبه از پایین، جسم را به سمت خود بکشد؟ شاید دارد از بالا به آن نیرو وارد می‌کند!"

از نظر او جهان در فضا-زمان قوطه‌ور است و اجسام در این فضا-زمان، هرچه جرم بیشتری داشته باشند؛ به اصطلاح صفحه فضا زمان را بیشتر به سمت خود خم می‌کنند (البته اگر آنرا دو بعدی در نظر بگیریم) و اجسام دیگری که بر روی این صفحه قرار دارند؛ به سمت جسم با جرم بیشتر هدایت و به سمت آن جذب می‌شوند.

تازه‌ترین دیدگاه مربوط به پروفیسور لی اسمولین است که در سال ۲۰۱۳ منتشر شد. وی در کتاب تولد دوباره زمان، می‌گوید که حالت زمان، واقعی است؛ همانطور که گذر زمان

از گذشته به آینده، به قوانین طبیعت اجازه می‌دهد تا به شکلی که امروز می‌بینیم استنتاج شوند. اسمولین اظهار می‌کند که وجود فعلی ما شاید مدرکی برای تکامل کیهانی باشد و چون تکامل فقط می‌تواند در طول زمان اتفاق بیافتد؛ درست است اگر اظهار کنیم که زمان واقعی است.

آری زمان، واقعیتی پیچیده است؛ اما آنچه مهم است؛ استفاده از سرمایه گرانقدر زمان (عمر) در بهت خودسازی و جلب رضایت خداست.

هدف من از نگارش بخش‌هایی از زندگی گذشته‌ام تنها مرور خاطرات نیست بلکه درس گرفتن و راهیابی خردمندان به سوی معنویات و بیان کمک‌های خداوند در لحظه لحظه زندگی و بیان تاثیر دعا و وسایل به درگاه ربوبیت. خواستم کراماتی را که شنیده و دیده بودم؛ برایتان بیان کنم؛ شاید نواده گرانمایه از خواندن آن بیشتر به مسایل معنوی و عرفانی توجه نماید و در زندگی، نالایقی که عملی شیطانی است به خود راه ندهد. ما باید پیوسته خود را در محضر خدا بدانیم و یقین کنیم که او از همه کس به ما نزدیکتر است.

در زندگی‌ام هر کجا با دشواری‌های طاقت‌فرسا روبرو شدیم تلاش کردم با اتکال به خدا، دل سپردن به او و چاره‌اندیشی، بر مشکلاتم غلبه کنم و در این راستا محبت بیکران خدا نیز برخوردار شدم.

مرا موج ژرفای دریای عشق	خروشید و جوشید و از سینه خاست
فتادم به امواج طغیان‌گرش	که هر موجی از عشق، پُر ماجراست
دل من برون شد ز فرمان من	دل دردمندی که مهر آشناست

قلم، ناتوان شد قدم، بی‌رمق
 به دل آرزوهای دیرینه مُرد
 جدا گشت پیوندم از فتنه‌ها
 نگنجید اندیشه‌ام در سخن
 چهل زنگی سوز و کوره رهش
 اگر پرست و بلاخیز هست
 بهاری مگوار حسی، سخن

فتادم به راهی که بی‌انتهاست
 که این حاصل عمر دل‌داده‌هاست
 که آسیب‌ها از سموم هواست
 از آنجا که جانم به گردابه‌هاست
 پر از شعله عشق و مستی گر است
 طلوعش ز غوغای عالم به پاست
 که یاد جوانی بسی جانگزااست

شهریار بهاری

تهران زمستان ۱۳۹۴ خورشیدی